

اینجا ایران است؛ صدای انقلاب را می‌شنوید

اینجا تهران است، اینجا قم است، اینجا تبریز است، اینجا مشهد است، اینجا اهواز است، اینجا «ایران» است، صدای انقلاب را می‌شنوید.



اینجا تهران است، اینجا قم است، اینجا تبریز است، اینجا مشهد است، اینجا اهواز است، اینجا «ایران» است، صدای انقلاب را می‌شنوید.

خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها: بهمن که می‌گوییم، فقط حکایت سال ۱۳۵۷ نیست، حکایت یک‌عمر است، گفتمانی که از سال‌های قبل از ۵۷ شروع شده بود و تا بعدترها هم ادامه پیدا کرد. روایت بهمن‌ماه، زمستانی نیست، بهار است که هرروز شکوفه می‌دهد، آن‌هم شکوفه‌های تازه‌تر و تازه‌تر.

همین روزها بود که طوفان شدید، تهران و قم و مشهد و اهواز و اصفهان و خرم‌آباد ندارد، موج به موج راه افتادیم، شاید اولش از حادثه می‌ترسیدیم؛ اما جرات طوفان شدن پیدا کردیم و انقلاب شدیم.

اینجا مسجد علوی، صدای سید فخرالدین رحیمی بلند است و از امام می‌گوید... اینجا مسجد جامع ارومیه، حرف حرف قیام است... اینجا محله شهدای شهر ایلام، زمین با خون شهید اسدالله شیرخانی رنگ گرفته است... همه بودیم، همه هستیم، همه خواهیم ماند.

پرده اول؛ قیام قم

اینجا قم است، صبح زود ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، حرکت به سمت خیابان یخچال قاضی را از دیشب مرور کردم، جایی که بیت امام خمینی این روزها قلب تپنده شهر خون و قیام است، تاکسی مرا به ابتدای خیابان صفائیه می‌رساند، راه بند است و بقیه مسیر را باید پا به پای مردم به سمت بیت بروم.

کماندوهای رژیم شهر را خالی کرده‌اند، دیگر جایی برای باتوم و گلوله نیست، شهر شهر امام است، مسیر صفائیه را با خاطرات ۱۹ دی‌ماه سال گذشته طی می‌کنم، چه زود گذشت از آن روزی که مردم و علمای این دیار در اعتراض به انتشار مقاله توهین‌آمیز به امام که در روزنامه اطلاعات، چاپ شده بود در بیت آیت‌الله نوری همدانی در همین خیابان جمع شدند و حادثه قیام ۱۹ دی‌ماه در تن و جان این شهر ثبت شد، انگار همین دیروز بود که خیابان صفائیه حادثه درگیری بین طلاب و مردم و کماندوهای رژیم را تجربه کرد.

با مرور خاطرات گذشته به چهارراه شهر می‌رسم، همین‌جا بود که کماندوها، طلاب و مردم را به رگبار بستند و حداقل پنج نفر را به شهادت رساندند و عزاداری‌های پی‌درپی برای این شهدا در شهرهای دیگر برگزار شد تا به امروز رسید...

صبح زود ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ است، مسیرم را به سمت بیت امام تصویر می‌کنم، کمی جلوتر که می‌روم، جمعیت در هم موج می‌زند، بلندگویی که صدای رادیو را با خود یدک می‌کشد گزارش از تهران را مستقیماً صدا می‌کند، لحظه ورود رسیده است، همه اشک می‌شوند و «خمینی ای امام» زمزمه شهر می‌شود.

مردم سیاه‌پوش عزاداری حسین (ع) بر سر و سینه می‌زنند، جای شهدای ۱۹ دی قم خالی است، جمعیت دائماً پیگیر اخبارند، نزدیکان امام مردم را دعوت به آرامش می‌کنند.

اینجا بیت امام در قم است، می‌دانم که کارم گم‌شدن هرروز در خیل جمعیت و همراه شدن با مردم در مقابل بیت امام است، درودیوار اطراف بیت مملو از عکس امام و شعار است، مردم اخبار را از اینجا دنبال می‌کنند، پیگیری اخبار تشکیل کابینه و تأیید و تشکیل کمیته‌های انقلاب و روزهای پراشتاب ۱۲ تا ۲۲ بهمن، و روزشمار انقلاب آغاز می‌شود...

پرده دوم؛ تب تبریز

پادگان‌ها یکی بعد از دیگری سقوط و سربازان بالباس مبدل از خدمت فرار می‌کنند، دژبانی ارتش تلاش دارد تا به هر نحو ممکن مانع فرار سربازان و افسران از محل خدمتشان شود اما همکاری انقلابیون با آن‌ها مانع توفیق دژبانی ارتش و گاه ساواک در دستگیری آن‌ها می‌شود.

اسلحه‌خانه‌های پادگان‌ها یکی پس از دیگری به دست انقلابیون می‌افتند و سنگرهای انقلاب یکی پس از دیگری در خیابان‌ها تشکیل و تجهیز می‌شود.

تشکیلات ساواک در تبریز از هم‌پاشیده است و مبارزان با شناسایی آن‌ها یک‌به‌یک به تیر غیب گرفتارشان می‌کنند. خبرهای مسرت‌بخش یکی پس از دیگری از شهرهای مختلف به گوش می‌رسد. تهران کانون توجهات است و قم رهبری این حرکت را بر عهده دارد.

تبریز هم با رهبری شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی نفس رژیم را در گلو خفه کرده است. در طول خیابان امام خمینی (پهلوی سابق) سنگرهای انقلاب برپاشده است. نیروهای انقلاب با درایت تمام نسبت به حفاظت از جان ملت تلاش دارند.

مردم انقلابی با پیام‌ها و اعلامیه‌های روحانیون انقلابی به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله قاضی خط انقلاب را می‌شناسند و

می‌کوشند از نفوذ ضدانقلاب در سنگر خود جلوگیری کند.

روزنامه‌های تهران هرروز خبر کشته شدن وابستگان رژیم را به مردم اطلاع‌رسانی می‌کنند. مسئولان رژیم یکی پس از دیگری فرار را برقرار ترجیح می‌دهند. خبرها از روستاهای اطراف تبریز حاکی از آن است که ملاکین و خوانین از محل خود گریخته‌اند. روستاها بهترین مکان برای سربازان فراری از پادگان‌ها هستند تا ساواک به سراغشان نیاید.

بلندگوهایی که مردم در طول خیابان‌ها کار گذاشته‌اند اخبار و اطلاعیه‌های مهم را به اطلاع مردم می‌رساند. این روزها بیمارستان‌ها فقط دارو، لوازم پزشکی و پتو از مردم می‌خواهند. در بیشتر خانه‌ها نیمه‌شب‌ها برای پناه دادن به فرزندان انقلاب باز است و مردان در پشت‌بام خانه‌ها کشیک می‌دهند. چون مأموران ساواک شبانه وارد خانه‌ها می‌شوند تا انقلابی‌های شاخص و سربازان فراری را دستگیر کنند. هرکس با هر وسیله‌ای که در دست دارد از محل خود پاسبانی می‌کند.

۲۲ بهمن اما روز سختی است. ارتش از دیشب اعلام حکومت‌نظامی کرده بود اما بافرمان امام (ره) همه به خیابان‌ها ریخته و فرمان ارتش را نقض می‌کنند. فرماندهان ارشد ارتش چاره‌ای جز اعلام بی‌طرفی ندیدند و دستور بی‌طرفی ارتش را به همه واحدهای نظامی خود ابلاغ کردند. درگیری‌های مردم تبریز با نیروهای ساواک و برخی وفاداران ارتشی گارد شاهنشاهی شدت بیشتری گرفته ولی پیشروی برای تصرف ساختمان‌های دولتی، به‌ویژه ساختمان ساواک در بلوار ۲۹ بهمن همچنان ادامه دارد. ساواکی‌ها که مأموران شهربانی را سپر جان‌شان کرده بودند اکنون در حال گریختن از اداره ساواک تبریزند. مأموران شهربانی هم به‌صف مردم پیوسته‌اند و ساختمان ساواک را تقریباً تقدیم نیروهای انقلاب کرده‌اند.

بازار تبریز هم صحنه درگیری بازاریان با نیروهای وفادار شاه است اما امروز ۲۲ بهمن شدت درگیری‌ها به حدی بود که چندین شهید و زخمی برای انقلابیون در پی داشت و با هر خونی که به زمین می‌چکید صدای انقلاب قوی‌تر شنیده می‌شد... این صدای انقلاب است.

پرده سوم، موج مشهد

اینجا مشهد است، هجدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷، امروز راهپیمایی گسترده‌ای از سوی مردم مشهد به‌منظور پشتیبانی از کابینه مهندس بازرگان و اعتراض به بختیار نخست‌وزیر غیرقانونی از ساعت ۹ صبح شروع شده است.

پیشاپیش این جمعیت عظیم روحانیون و در صفوف بعدی، کارگر و کشاورز به میدان آمده‌اند، همگی با مشت‌های گره‌کرده شعار می‌دهند، از مقابل مدرسه نواب حرکت کرده و از چهارراه شهدا وارد خیابان امام خمینی شده‌اند، گروه دیگری از میدان شهدا به جمعیت ملحق شده و از دروازه طلایی وارد خیابان‌های خسروی و خسروی نو به‌طرف میدان حضرت می‌شوند.

«دروود بر خمینی رهبر آزادگان، سلام بر بازرگان نخست‌وزیر ایران» صدای جمعیت است، ساعت ۱۱ پس از ورود به میدان حضرت حدود یک ساعت و نیم طول می‌کشد که راهپیمایان در اطراف میدان مستقر شوند.

ظهر می‌شود و صدای اذان همه را برای اقامه نماز به‌صف می‌کند؛ روزنامه خراسان روز بعد مجموع شرکت‌کنندگان در راهپیمایی را یک‌میلیون نفر تیتیر می‌کند که ۳۰۰ هزار نفر از آن‌ها زنان مشهدی هستند که پا به‌پای مردان به حمایت از امام آمده‌اند.

روی نرده و دیوارهای موزه آستان قدس تابلوهایی به چشم می‌خورد که روی آن‌ها نوشته شده است: «در حکومت اسلامی کسانیکه بر طبق دستورهای اسلام حکومت و قضاوت نکنند کافرنند.»

ساعت یک بعدازظهر است، سخنرانی توسط استاد شیخ علی تهرانی انجام و در پایان سخنرانی اعلام شد که طبق فرمان امام خمینی(ره) فردا پنجشنبه ۱۹ بهمن‌ماه راهپیمایی در سراسر ایران برگزار می‌شود و در مشهد هم چهارراه شهدا آماده حضور دوباره مردم است.

پیام این جوش‌و‌خروش به تهران می‌رسد، طبقات مختلف و اصناف مشهد تلگراف‌هایی مبنی بر پشتیبانی از انتخاب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت اسلامی را به تهران مخابره می‌کنند، همه حرف این است: «موج مشهد همراه است، طوفان می‌شویم.»

رویدادهای انقلاب در برخی استان‌های کشور

نام استان	حال و هوای انقلاب در استان‌ها
آذربایجان غربی	روز تاریخی مهم انقلاب در استان آذربایجان غربی دوم بهمن‌ماه ۵۷ بوده که قیام مسلحانه مردم ارومیه

عليه رژيم طاغوت صورت گرفت و از اين حرکت به عنوان اولين اقدام يا قيام مسلحانه کشور عليه رژيم طاغوت نام برده می شود. تعداد شهدای انقلاب در استان ۷۳ نفر بوده و مسجد جامع اروميه از مراکز شاخص انقلابی اين استان است.	
اردبيل هم بهمن ماه ۵۷ روزهای پرجوش و خروش وشي داشته است، ۴۷ شهيد در جريان مبارزات انقلاب از افتخارات اين استان و مرکز تجمع مبارزان انقلابی نيز باغ ملی و مسجد ميرزا علی اکبر بوده است.	اردبيل
روايت مبارزات در اصفهان هم به مانند استان های ديگر از	اصفهان

مدتها قبل
از بهمن ۵۷
شروع شده
بود، ۱۰
مرداد ۵۷
مردم
اصفهان در
پی
دستگیری
آیت الله
طاهری از
مبارزان
انقلابی، در
منزل
آیت الله
خادمی
تحصن
کردند.
خادمی در
این روز طی
اعلامیه ای با
محکومیت
این مسئله
اعلام کرد
همه مردم
متدین اظهار
می دارند تا
آزادی معظم
له از پا
نخواهند
نشست و
تعطیلی
دروس و
مغازه ها را
ادامه
می دهیم و
چنانچه
پاسخ مثبت
به ما داده
نشود،
مسئولیت
هرگونه
عکس العمل
بر عهده
مقامات
خواهد بود.
تحصن ۱۰
روز طول
کشید و در
ادامه موجب

اعتصابات و راهپیمایی گسترده شد و منجر به نخستین حکومت‌نظا می‌کشور در اصفهان پایین کشیدن مجسمه شاه و گرفتن ساواکی‌ها و آزادی پادگان‌ها در اصفهان زودتر از شهرهای دیگر انجام شد به‌گونه‌ای که اعضای برتر انقلابی اصفهان برای کمک به تهران فراخوانده شدند.	
در کرج مبارزان انقلابی مختلفی فعالیت می‌کردند که برای پیوستن به صفوف انقلابیون راهی پایتخت یا قم می‌شدند. حجت‌الاسلا م علی ادیبی طلبه جوان البرزی ساکن روستای ناریان شهرستان طالقان یکی از همین	البرز

افراد بود که سال ۱۳۴۲ برای تحصیل رهسپار قم شد. این طلبه باروحیه انقلابی به همراه دیگر همکلاسی‌ها ی خود شبانہ اعلامیہ‌های امام خمینی را پخش و در ۱۵ خرداد سال ۴۲ به همراه دیگر هم‌درس‌های خود با حضور در راهپیمایی به شہادت رسید و گمنام به خاک سپردہ شد.	
مردم ایلام در سال ۱۳۵۷ همگام و همگرا با دیگر مناطق ایران، علیہ استبداد پهلوی به پا خاستند و از طریق راهپیمایی، تظاهرات و اعتصابات مخالفت خود را ابراز داشتند. روحانیان و فرهنگیان مبارز ایلام در جریان مبارزه، رهبری و	ایلام

هدایت مردم را بر عهده داشته و با سخنرانی و صدور اعلامیه‌ها مردم را برای مبارزه با رژیم پهلوی تشویق می‌کردند. شهیدان اسدالله شیر خانی، قیصر مؤمنی، محمدرضا اقبال، مراد نوروزی، شیرزاد عبداللهی، ربابه کمالی و امین پورصفر از جمله شهدای انقلاب اسلامی در این استان هستند. محله شهدای ایلام از مراکز شاخص انقلابی این استان است.	
روزهای منتهی به بهمن ۵۷، روزهای عجیب و تاریخی برای برخی مناطق استان تهران بود. با فرار شاه از کشور، جرقه‌های نہضت اسلامی شعله‌ورتر از	تهران

قبل شده بود
و مردم
مناطق
مختلف
استان تهران
با حضور در
پایتخت و یا
راه اندازی
تظاهرات در
محل
زندگی شان،
بازگشت
امام به
میهن را
فریاد
می زدند. در
این میان
اوضاع
ورامین
متشنج تر از
سایر نقاط
بود. در
دی ماه ۵۷ قیام
م تاریخی
مردم ورامین
رقم خورد و
در این
حادثه خون
شهیدان
کریمی،
شیرازی و
میرزایی
درخت
انقلاب
اسلامی را
آبیاری کرد.
به شهادت
رسیدن سه
جوان
ورامینی،
آتش خشم
مردم دیار
۱۵ خرداد را
شعله ورتر از
گذشته کرد.
نکته جالب
آن بود که
ساواک اجازه
برگزاری ختم
برای شهدای

ورامین را
نداد و حتی
هزینه
گلوله‌ها را
نیز از
خانواده
شهدا
خواست.
تا زمان ورود
امام راحل،
مردم این
منطقه به
مبارزات خود
ادامه دادند.
همزمان با
ورود امام
خمینی به
میهن
گروه‌های
مختلفی در
استان تهران
به گروه
استقبال از
امام
پیوستند و
جشن‌های
مختلفی
همزمان با
ورود امام در
استان تهران
برگزار شد.
در فاصله
ورود امام تا
پیروزی
انقلاب
اسلامی
مردم استان
تهران زمینه
پیروزی
نهیضت
اسلامی در
نقاط
مختلف
استان را
فراهم کرده
تا اینکه
جشن
پیروزی
انقلاب در
سراسر

استان تهران در ۲۲ بهمن گرفته شد.	
مبارزات انقلابی در بوشهر نیز در بهمن ۵۷ به اوج خود رسید، محلات قدیمی شهر کانون حرکت‌های انقلابی در بوشهر بوده است. و در دهه منتهی به ۲۲ بهمن میدان قدیمی شهر بوشهر شاهد به زیر کشیدن مجسمه شاه بود. مردم این استان نیز همچون دیگر نقاط کشور، حضور گسترده و پر شور در مراسم و تظاهرات انقلابی داشتند و چندین شهید نیز تقدیم انقلاب کردند.	بوشهر
نوزدهم بهمن ۵۷، افزون بر یک هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی بختیاری‌های استان چهارمحال و بختیاری، با	چهارمحال و بختیاری

حضور در
مدرسه علوی
تهران، با
امام
خمینی(ره)
بیعت کردند
و انزجار خود
را از
«شاهپور
بختیار»
نخست وزیر
وقت رژیم
ستم شاهی
اعلام کردند.
این اقدام
مردم استان
در نوزدهم
بهمن ۱۳۵۷،
نقش بسیار
مهمی در
اثبات
وفاداری
مردم این
استان
نسبت به
اسلام و
آرمان های
والای امام
خمینی (ره)
داشت. این
افراد در طول
مسیر با
مشکلات و
موانع زیادی
مواجه شدند
که به عشق
دیدار با امام
و اعلام
انزجار از
بختیار همه
سختی ها را
تحمل
کردند. در
این روز امام
با نیروهای
هوایی دیدار
داشت و
دیدار دوم
امام با مردم
سلحشور و

غیور و با بصیرت بختیاری بود.	
مهم‌ترین اتفاق در بیرجند طی دهه منجر به پیروزی انقلاب مربوط به هفتم بهمن‌ماه است، در این روز، طی تظاهرات و راهپیمایی سراسری در بیرجند، تعدادی از مردم به شهادت رسیدند. علاوه بر تحرکات بهمن‌ماه پیش از آن‌هم مردم خراسان جنوبی به صحنه مبارزات آمده بودند، در ۱۷ دی‌ماه، تظاهرات بانوان مقابل مسجد آیتی انجام شد. در ۵ بهمن‌ماه حمله به مردم بیرجند با دو کامیون و به آتش کشیدن مسجد آیتی برای ایجاد رعب و وحشت	خراسان جنوبی

انجام شد که در این حادثه نیز یک نفر به شهادت رسید و شهید میری زخمی شد و یک سال بعد به شهادت رسید. ۱۶ بهمن هم شاهد تظاهرات مردم این استان بود و در نهایت ۲۲ بهمن کلانتری واقع در میدان امام (ره) بیرجند به دست انقلابیون افتاد. خراسان جنوبی در این ایام ۱۴ شهید تقدیم انقلاب کرده است.	
شهربانی بجنورد به دست نیروهای مردمی افتاد. در اوج راهپیمایی‌ها ی مردمی روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن‌ماه ۵۷، نیروهای شهربانی برای ایجاد رعب و وحشت میان مردم، تعداد زیادی	خراسان شمالی

از چماق به
دستان را در
حدفاصل
میدان شهید
و چهارراه
مخابرات
برای مقابله
با
تظاهرکنندگان
ن سوار
کامیون کرده
بودند و در
گوشه و کنار
خیابان
تظاهرکنندگان
ن را با چماق
مورد ضرب و
شتم قرار
می دادند.
مردم
بی دفاع هم
تنها با پرت
کردن سنگ
به سمت
چماق داران
از خود دفاع
می کردند.
چماق به
دستان در
روزهای
پایانی عمر
خود هرکسی
را که در
راهپیمایی و
تظاهرات
می گرفتند
تحويل
شهربانی
می دادند.
روز ۲۱
بهمن ماه
۱۳۵۷ مردم
با برپایی
تظاهرات به
سمت
شهربانی
بجنورد که
حدفاصل
میدان کارگر
و چهارراه

قیام قرار داشت، حرکت کردند و با درگیری با نیروهای شهربانی، این مرکز را به تصرف خود درآورده و پاسبان نجفی را که از مزدوران رژیم و وابسته ساواک و عامل شهادت شهید حسن حسن آبادی، اولین شهید انقلاب در این شهر بود را از ساختمان شهربانی به پایین انداختند. با مرگ نجفی که منفور مردم و صادرکننده دستور حمله و تیراندازی به مردم بود، عملاً شهر بجنورد به دست مردم انقلابی بجنورد افتاد.	
اجتماع بزرگ مردم بهبهان در مسجد امامزاده حیدر و حمایت از انقلاب، خواسته مردم	خوزستان

خوزستان در
برقراری
حکومت
اسلامی از
سوی امام
خمینی(ره) و
انجام
راهپیمایی‌ها
بی در این
خصوص،
پیگیری
جامعه
روحانیت
بختیاری
ایذه برای
استعفای
بختیار،
اعتراض
روحانیت و
افسران
دزفولی به
دستگیری
همافران،
تظاهرات ۵۰
هزارنفری
مردم شوشتر
برای
استعفای
سید عبدالله
صدیق زاده
نماینده این
شهر،
برگشت به
کار ۴۰۰ کارگر
شهرداری
آبادان بعد از
۱۲۰ روز
اعتصاب
به‌منظور
تمیز کردن
شهر با
وساطت
روحانیت
این شهر
ازجمله
مهم‌ترین
وقایع دهه
فجر ۵۷ در
خوزستان به
شمار

می‌رود.	
مردم استان زنجان هم روزهای خونینی در بهمن‌ماه را شاهد بودند، زنجان ۳۵ شهید را تقدیم انقلاب کرده و مسجد ولیعصر و اسحق میرزا از مراکز شاخص انقلابی این استان بوده است.	زنجان
روزی که بنزین عامل برگزاری یک سخنرانی شد هفت روزی به ورود امام مانده بود و هنوز کسی نمی‌دانست که چه می‌شود روزنامه جمهوری اسلامی در تیترو روی صفحه نخست خود نوشته بود «ورود امام در هاله‌ای از ابهام» و این روزها شاید سرنوشت‌ساز ترین روزهای تاریخ معاصر ایران بود. برادران رضا پور یک پای انقلاب در	سمنان

شاهرود
بودند، آن
روزها در
خیابان مصلا
و مزار قدیم
فعالیت‌هایی
داشتند.
به اصطلاح
امروزی‌ها
فعال
سیاسی
بودند اخبار
را هم از
آن‌ها می‌شد
گرفت.
می‌گویند
احتمال دارد
آیت‌الله
خامنه‌ای به
شاهرود
بیاید اما
هیچ‌کس
چیزی
نمی‌داند.
آیت‌الله
خامنه‌ای در
روز چهارم
بهمن‌ماه
قصد سفر به
مشهد
مقدس برای
سخنرانی را
می‌کنند. در
شاهرود اما
اتفاق جالبی
تقدیر را رقم
می‌زند،
خودروی
حامل ایشان
درست در
این شهر
بنزین تمام
می‌کند و
این بار شرط
ابتیاع بنزین
برای
خودروی
آیت‌الله
خامنه‌ای،
سخنرانی در

حسینیه
مدرسه قلعه
می شود.
ایشان
افتخار
می دهند و
مسجد
مدرسه قلعه
شاهرود
جمعیتی
بی نظیر را در
شامگاه
پنجم
بهمن ماه به
خود می بیند
اما شاید
کسی نداند
که عامل این
سخنرانی
همان بنزینی
بود که
بعدها هیزم
انقلاب را در
شاهرود
شعله ور کرد
و از آن روز
سرنوشت ساز
شاهرود و
شاهروندی
حالی
دگرگون
یافت و تا
روز ۲۲ بهمن
هشت شهید
از جمله ناصر
بیاری،
احسان فر و
میر غفوریان
از دیار
خوبان
تقدیم
انقلاب شد و
این نقطه
عطف شاید
روزی، پنجم
بهمن ماه را
به نام روز
شاهرود در
تقویم به
ثبت برساند

و شاید این شیرین‌ترین خاطره اتفاقی مردم شاه‌رود باشد.	
جشن پیروزی انقلاب در شیراز به واسطه سقوط ساواک و تصرف صداوسیما یک روز زودتر از نقاط دیگر کشور برگزار شد. استان فارس تنها استان کشور بود که در سه شهرستان آن؛ شیراز، کازرون و چهرم حکومت‌نظا می اعلام شد و به واسطه اینکه مرکز ساواک در دی‌ماه به دست مردم افتاده بود روز ۲۱ بهمن مردم شیراز شهربانی اصلی و صداوسیما را در اختیار گرفتند و جشن پیروزی را برگزار کردند.	فارس
قزوین جزو اولین شهرهایی	قزوین

بود که در آن
حکومت نظا
می اعلام
شد اما
در این بین
ششم و
هفتم دی ماه
سال ۵۷
برای مردم
قزوین روزی
سرنوشت ساز
و حساس
بود، در روز ۷
دی با توجه
به نقش
عمده و
تأثیرگذار
فرهنگیان در
راهپیمایی ها
، بسیاری از
فرهنگیان و
مدیران
مدارس
تصمیم
گرفتند که
مدارس را
تعطیل کنند
و به جمعیت
راهپیمایان
پیوندند.
دبستان
بابک در
خیابان
پادگان یکی
از این
مدارس بود
که در
نزدیکی یک
نفت فروشی
واقع بود که
با تعطیلی
مدارس،
دانش
آموزان با
دیدن
والدینشان
که در صف
نفت بودند
همان جا
مشغول بازی

می‌شوند، در
آن حین یک
خودروی
نظامی که
مسئولیت
برخورد با
راهپیمایان
را داشته با
دیدن
بچه‌هایی که
در کنار
خیابان به
تبعیت از پدر
و مادر خود
در حال شعار
دادن بودن
به سمت
دانش
آموزان رفته
و با آن‌ها
برخورد
می‌کند که در
آن برخورد ۱۱
نفر از دانش
آموزان
شهید و
زخمی
می‌شوند.
این اتفاق
چون در
برخورد با
کودکان
بی‌گناه بود
بازتاب
کشوری و
جهانی پیدا
کرد. با توجه
به اینکه در
آن زمان ما
رسانه‌ای
نداشتیم که
بتواند خبر را
به‌درستی
منعکس
کند، خبرهای
مختلفی اعم
از اینکه
تعداد شهدا
ده‌ها تن
بوده یا مثلاً

برخورد تانک با کودکان، توسط رادیو بی‌بی‌سی و خیلی از رسانه‌های خارجی انعکاس پیدا کرد و در روزهای بعد مردم در شهرهای مختلف در خلال راهپیمایی‌ها این برخورد نظامی‌ها با دانش آموزان قزوین را محکوم کردند.	
کردستانی‌ها هم در بهمن‌ماه شاهد شهادت برخی از تظاهرات کنندگان بودند، کردستان در این ایام ۳۵ شهید تقدیم کرده، که بیشتر این شهدا هم در خیابان شهدای سنندج در تظاهرات و راهپیمایی‌ها به شهادت رسیدند. البته تعداد شهدای انقلاب استان قریب به ۵۰ نفر است ولی	کردستان

چون برخی از آن‌ها در استان‌های دیگر به شهادت رسیدند جزو شهدای آن استان محسوب شدند. نمونه آن کامران نجات الهی اهل بیجار که در تظاهرات تهران شهید شد.	
حماسه بزرگ مردم کرمان در ۲۴ مهرماه سال ۵۷، سالروز به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان به دست مزدوران رژیم شاه، ایستادگی و مقاومت مردم بصیر و ولایتمدار کرمان را در مقابله با ظلم و جور، تثبیت و بر همگان آشکار ساخت. در ۲۴ مهر ۱۳۵۷ حدود ۲۰ هزار نفر از مردم به مناسبت چهلیم شهدای ۱۷ شهریور و در آستانه اولین سالگرد	کرمان

درگذشت
مشکوک
آیت‌الله سید
مصطفی
خمینی(ره)
به دعوت
علما در
مسجد
جامع شهر
کرمان
اجتماع
کردند. به
گفته
شاهدان
عینی، در
این روز
غیرنظامیان
وابسته به
مأموران
حکومت
پهلوی، با
حمله به
مسجد
جامع و
حمله به
مردم و آتش
زدن مسجد
و قرآن‌ها و
اهانت به
ناموس مردم
موجی از
تنفر و انزجار
را در مردم
ایجاد کردند.
مهاجمان با
چوب و
چماق و
اسلحه و
پرتاب گاز
اشک‌آور به
جان مردم
افتادند و
تعداد زیادی
از مردم
زخمی شدند
و به گفته
شاهدان
حادثه،
چماق به
دستان بعد

از آتش زن
مسجد به
سمت بازار و
خیابان‌ها
حرکت کردند
و مغازه‌های
متعلق به
حامیان
انقلاب را به
آتش
کشیدند.
واقعه
مسجد
جامع کرمان
در
سخنرانی‌ها
و
عکس‌العمل
های مردم
در روند
پیروزی
انقلاب نقش
زیادی
داشت و
بلافاصله در
سراسر کشور
شعار
تظاهرات
مردم درباره
حمله به
مسجد
جامع کرمان
بود. در پی
حادثه کرمان
و باخبر
شدن مردم
سایر شهرها،
اعتراض‌های
شدیدی در
شهرهای
مختلف
صورت
گرفت و
بیشتر
بازارها
تعطیل شد.
سرنگونی
مجسمه شاه
در کرمان،
سیرجان،

رفسنجان و جیرفت در شهر کرمان تمام مجسمه‌های شاه سرنگون و ساختمان ساواک به آتش کشیده شد مردم استان کرمان فرار شاه را در سراسر استان کرمان جشن گرفتند و اعضای جامعه کلیمیان کرمان درحالی‌که عکس‌های امام خمینی(ره) را در دست داشتند در میان اجتماع مردم کرمان، در مسجد امام همبستگی خود را با هموطنان اعلام داشتند. تعداد شهادی انقلاب و زندانی‌های سیاسی در استان کرمان به ترتیب ۲۳ و بیش از ۵۰ نفر است.	
مسجد آیت‌الله بروجردی، مسجد حاج شهباز خان،	کرمانشاه

منزل‌های آیت‌الله نجومی، آیت‌الله حاج آخوند، آیت‌الله کاظمی، محله هشتی بین شهرداری سابق و چهارراه مدرس و مسجد معتضدی از مراکز شاخص انقلابی استان کرمانشاه در تب‌وتاب روزهای منت‌هی به پیروزی انقلاب اسلامی بودند. کرمانشاه در دوران انقلاب ۹۹ شهید را تقدیم کرده است.	
مبارزات عشایر کهگیلویه و بویراحمد با رژیم پهلوی خیلی زودتر از دیگر نقاط کشور آغاز شد. در سال ۱۳۰۹ عشایر بویراحمد به رهبری «کی لهراسپ» و «میرغلوم» در تنگ تامرادی ارتش	کهگیلویه و بویراحمد

رضاشاهی را
شکست
دادند تا کینه
پهلوی از
عشایر
جنوب بیشتر
و بیشتر
شود. در
سال ۱۳۴۲ و
همزمان با
آغاز نهضت
انقلاب
عشایر
بویراحمادی
در دومین
جنگ با
ارتش پهلوی
در تنگه‌ای به
نام
گجستان،
ارتش تا بن
دندان مسلح
محمدرضا
شاه را
شکست
دادند.
در آستانه
پیروزی
انقلاب نیز
عشایر این
استان به
رهبری فقیه
مجاهد
آیت‌الله سید
کرامت‌الله
ملک
حسینی
همگام با
دیگر ملت
ایران رژیم
پهلوی را
ساقط
کردند.
در این روزها
عشایر،
پاسگاه‌ها را
خلع سلاح
کردند و با
حکم حضرت
امام امور

استان را آیت‌الله ملک حسینی از شاگردان ارشد امام در دست گرفت.	
منطقه گران که پیش از انقلاب اسلامی زیرمجموعه استان مازندران به شمار می‌رفت همسو با سایر شهرهای کشور نقش مؤثری در پیروزی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشت. مردم این منطقه علاوه بر حضور پررنگ در تظاهرات خیابانی شهدا و زخمی‌های زیادی هم در مسیر انقلاب دادند. بر اساس آمار اعلام‌شده بیش از ۵۵ شهید از استان گلستان تقدیم انقلاب شد. از وقایع مهم انقلاب در منطقه هم	گلستان

می‌توان به حادثه ۵ آذر گرگان، حادثه ۱۲ دی گالیکش، ۹ دی کردکوی، ۱۶ دی بندرگز، ۱۹ بهمن گرگان، ۲۰ بهمن گنبدکاووس، ۲۱ بهمن گرگان و ۲۱ آذر علی آبادکتول و حمله چماق داران رژیم طاغوت اشاره کرد.	
یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که روزهای انقلاب سال ۵۷ در شهر رشت رخ داد، شکست مقاومت پایگاه ساواک این شهر بود. همزمان با ۲۲ بهمن روز پایان نظام شاهنشاهی در ایران، مردم گیلان به کلانتری‌ها و پادگان‌ها حمله کردند ولی نیروهای مرکز ساواک رشت واقع در مجاورت باغ محتشم- پارک شهر فعلی - تا بعدازظهر روز	گیلان

۲۳ بهمن در
برابر
نیروهای
انقلابی
مقاومت
کرده و
تسلیم
نشدند. در
این وضعیت
بود که مردم
با بلدوزر
درب ساواک
را شکسته و
به داخل آن
حمله کردند
که با
تیراندازی ۲۲
نفره از
مأموران
ساواک روبرو
شدند.
محاصره و
تیراندازی
ساواک ۸
ساعت به
طول
انجامید و در
این فاصله ۹
نفر از
مأموران
ساواک
کشته شدند.
پس از آن
وقتی
مأموران
ساواک
مقاومت را
بی فایده
دیدند، با به
آتش
کشیدن مرکز
موفق به فرار
شدند و
ساواک به
تسخیر مردم
درآمد.
با فتح شهر
رشت در ۲۳
بهمن ۱۳۵۷
یک کمیته

۲۵ نفری به ریاست آیت‌الله احسان‌بخش ش زمام امور شهر رشت مرکز استان گیلان را در دست گرفت.	
مسجد علوی و جوادالائمه در بحبوحه انقلاب روزهای پرفراز و فرودی را پشت سر گذاشتند، با عبور از خیابان‌های شهر خرم‌آباد به‌ویژه خیابان و مسجد علوی هنوز صدای فرزندی از آل پیامبر(ص) به گوش می‌رسد که با خطابه‌های آتشین خود همه را به بیداری و بیدادگری می‌خواند. این روزها برای دیدار با مسجد علوی که در دوران انقلاب پایگاه مبارزات مردم خرم‌آباد بوده است باید با پای دل رفت. آنجا هنوز هم می‌توان	لرستان

صدای شهید فخرالدین رحیمی را شنید که بی‌باکی مردمان لر در صدای غرایش آشکار است. از ظلم رژیم می‌گوید و از فساد دربار... همه را به بیداری می‌خواند و از صبح انقلاب سخن می‌گوید. پیرمردها و افراد مسن‌تر محله صدایش را به یاد دارند، آن‌ها که در آن روزها جوان بودند و پای خطابه‌های گیرا و پرمایه «سید» شور می‌گرفتند و اشتیاق آزادی و استقلال.	
مردم دیار هگمتانه نیز برگه‌های زرینی را در دفتر انقلابی خوددارند، بعد از تظاهرات دانش‌آموزی ۳۰ مهرماه ۵۷ همدان و پایین کشیدن مجسمه شاه در نهاوند،	همدان

حرکت شهید مدنی و انقلابیون همدان برای سدکردن راه ارسال ادوات زرهی اعزامی به تهران از کرمانشاه در ۱۹ بهمن ۵۷ انجام شد. میدان امام و خیابان شهدا از مراکز شاخص انقلابی این استان بود.	
یکی از افتخارات یزد، همراهی امام جمعه این شهر با امام در بازگشت به ایران بود. آیت الله شهید محمد صدوقی و فرزند ایشان مرحوم حجت الاسلام محمدعلی صدوقی از همراهان امام در پاریس و در بازگشت ایشان به کشور بودند. مردم یزد که احترام بسیاری برای آیت الله صدوقی قائل بودند، پیام های او را نکته به نکته اجرا	یزد

می کردند.	
مسجد	
حظیره	
به عنوان	
پایگاه	
انقلاب،	
محل	
اجتماع	
نیروهای	
انقلابی بود	
و همه	
تظاهرات از	
این محل	
انجام	
می شد. در	
روزهای	
آغازین	
انقلاب	
زره پوش های	
ارتش در	
خیابان های	
یزد رژه	
می رفتند و	
در شهرهای	
مختلف	
مجسمه	
شاه، به	
پایین	
کشیده شد.	

و دوباره آغاز...

انتظار برای وقوع یک واقعه بزرگ در چشمان همه موج می زد. برخی رادیوهای تک موج خودشان را روشن کرده و سعی دارند از آخرین اخبار مطلع شوند. صدای شلیک گلوله ها از هر سو شنیده می شود. ساعت ۱۸ عصر است، رادیو اعلام می کند: «اینجا تهران است، صدای راستین ملت ایران، صدای انقلاب.»